

Analysis of the Impact of International Institutions and Emerging Powers on the Economic and Political Development of the Islamic Republic of Iran

Fatemeh Farhang¹, GSaeed Vosoughi², Mohammad Ali Basiri³

Date of Received: 2025/03/10

Date of Acceptance: 2025/06/18

Abstract

International institutions are among the fundamental pillars of the global order, playing roles in political, economic, and social processes that extend far beyond their traditional functions. In today's complex world, these institutions not only facilitate cooperation but also, through a set of institutional mechanisms, can accelerate states' influence and contribute to the emergence of new patterns within the international system. In this research, this role is referred to as the "accelerator" function. Employing this concept is an attempt to better explain the capacities through which institutions enhance states' power and influence. The main focus of this study is to examine how the Islamic Republic of Iran can utilize the potential of international institutions to improve its political and economic standing in the global arena. The theoretical framework of this research is grounded in Liberal Institutionalism and Neo-Realism, and the central hypothesis posits that the strategic use of institutional mechanisms can contribute to the enhancement of Iran's international position. In this regard, the experiences of emerging powers such as China and India in their smart engagement with international institutions are considered as comparative case studies. The findings indicate that international institutions through the establishment of normative frameworks, the

1. P.H.D candidate of International Relations, Political Science Dept. University of Isfahan
f.farhang7703@ase.ui.ac.ir

2. Associate Professor of International Relations, Political Science Dept. University of Isfahan.
(responsible Author) , S.vosoughi@ase.ui.ac.ir

3. Associate Professor of International Relations, Political Science Dept , University of Isfahan
Basiri@ase.ui.ac.ir

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



creation of legitimacy building platforms, the regulation of multilateral interactions, and the enhancement of the efficiency of cooperation can function as accelerators for states. This research employs a descriptive-analytical method using documentary data and library sources, and ultimately presents a framework for evaluating the role of international institutions in strengthening convergence and advancing the national interests of emerging powers.

Keywords: Multilateralism, Emerging Powers, Accelerator, Institutionalism, Islamic Republic of Iran



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲

سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

تحلیل تأثیر نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های نو ظهور بر توسعه اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران

فاطمه فرهنگ^۱سعید وثوقی^۲محمدعلی بصیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

چکیده

نهادهای بین‌المللی از ارکان مهم نظم جهانی به شمار می‌روند که در فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقشی فراتر از حد کارکردهای سنتی خود ایفا می‌کنند. در جهان پیچیده امروز، این نهادها تنها مسیر همکاری را هموار نمی‌کنند، بلکه با مجموعه‌ای از ساز و کارهای خود می‌توانند به افزایش سرعت اثرگذاری کشورها و شکل‌گیری شیوه‌های جدید در نظام بین‌الملل کمک کنند. نقشی که در این پژوهش از آن با عنوان شتاب دهنده یاد شده است. استفاده از این مفهوم کوششی است برای توضیح بهتر ظرفیت‌هایی که نهادها در تقویت قدرت و نفوذ کشورها ایجاد می‌کنند. تمرکز اصلی پژوهش حاضر بر این است که جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی، جایگاه سیاسی و اقتصادی خود را در عرصه جهانی بهبود بخشد. چارچوب نظری این پژوهش بر نهادگرایی لیبرال و واقع‌گرایی نوین استوار است و در فرضیه اصلی آن این موضوع بیان شده که بهره‌گیری راهبردی از ساز و کارهای نهادی می‌تواند به ارتقای موقعیت بین‌المللی ایران منجر شود. در این میان، تجربیات قدرت‌های نو ظهور مانند چین و هند در استفاده هوشمندانه از نهادها نیز به عنوان نمونه‌ای مقایسه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نهادهای بین‌المللی از طریق ایجاد چارچوب‌های هنجاری، فراهم‌سازی بسترهای مشروعیت‌ساز، تنظیم روابط چند جانبه و افزایش کارآمدی همکاری‌ها می‌توانند برای کشورها کارکردی شتاب دهنده داشته باشند. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از داده‌های اسنادی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و در پایان چارچوبی برای ارزیابی نقش نهادهای بین‌المللی در تقویت همگرایی و منافع ملی قدرت‌های نو ظهور ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: چندجانبه‌گرایی، قدرت‌های نو ظهور، شتاب‌دهنده، نهادگرایی، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، ایران f.farhang7703@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، S.vosoughi@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان Basiri@ase.ui.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

سابقه تاریخی پیشرفت جهانی نشان می دهد که نهادهای بین المللی نقش بسزایی در گسترش ارتباطات و همکاری های بین المللی جوامع توسعه یافته داشته اند؛ این امر موجب شده که در دنیای امروز، نهادگرایی به یک موضوع مهم تبدیل شود. اهمیت و ضرورت پیوستن به نهادها از آن جایی ناشی می شود که هریک از آنها ضمن آنکه کانونی برای تبادل نظر و هم فکری تلقی می شوند می توانند بخشی از نیازهای اعضا را که به تنهایی از عهده آن بر نمی آیند، مرتفع سازند و گوشه ای از مشکلات را حل و فصل کنند. از آنجا که برای تبدیل نیاز دولت ها به یکدیگر، به وجود مجموعه ای از قواعد در قالب یک معاهده، به فرایند طولانی مذاکره، امضا، پذیرش، تصویب، مبادله یا تودیع اسناد تصویب نیاز است و نیز، رعایت چنین آدابی علاوه بر حساسیت های تصدیق معاهدات نزد ارکان مسئول سازمان با لزوم اجرای سریع برخی از آن ها در تعارض است. بنابر این، نهادهای بین المللی سر بر آوردند تا راهگشای اجرای سریع معاهداتی باشند که به ابتکار نهادها توسط دولت های عضو منعقد می گردد. لذا هدف اصلی این پژوهش، تاثیر نهادهای بین المللی و تحت عنوان پلی ارتباطی، شتاب دهنده و تسهیلگر بر نهادینه کردن دولت ها با الگو گرفتن از قدرت های نوظهور است به عبارت دیگر، اینکه چطور چند جانبه گرایی و ظهور قدرت های جدید، انحصار قدرت های قبلی را شکسته است؟ یا به تعبیری دیگر، چطور با ایجاد نهادهای بین المللی جدید و پیوستن به آنها به جامعه جهانی متصل می شوند.

پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد چگونه قدرت های نو ظهور می توانند از طریق ایجاد و تقویت نهادهای بین المللی، چند جانبه گرایی را در ساختار بین الملل گسترش دهند و موجب باز تعریف الگوهای سنتی قدرت شوند. چند جانبه گرایی به معنای همکاری و هماهنگی میان چند دولت در قالب نهادهای بین المللی، با هدف حل مسائل مشترک جهانی و توزیع متوازن قدرت در سطح بین المللی است. اهمیت این رویکرد در آن است که به جای تمرکز قدرت در دست تعداد معدودی از بازیگران غالب، امکان مشارکت گسترده کشورها را فراهم می سازد و نظم جهانی را براساس قواعد مشترک و نهادینه شده شکل می دهد. با ظهور قدرت های نوظهور نظیر چین، هند، برزیل و سایر بازیگران در حال توسعه، مرکز ثقل قدرت جهانی در حال جابه جایی است. هرچند گفته می شود قدرت های سنتی همچون ایالات متحده همچنان ادعای هژمونی دارند، اما دیگر توانایی اعمال یکجانبه قدرت را ندارند. این تغییر در توازن قدرت، بستر مناسبی برای رشد چند جانبه گرایی و امکان مشارکت بازیگران متعدد را فراهم کرده است، چرا که قدرت های نوظهور برای تثبیت جایگاه خود در نظام بین الملل، به بهره گیری از نهادهای



بین‌المللی به عنوان ابزارهایی برای مشروعیت بخشی، توزیع قدرت و جهت دهی به قواعد بازی جهانی روی آورده‌اند. در این چارچوب، نهادگرایی به عنوان رویکردی نظری، جایگاه ویژه‌ای دارد. دولت‌ها در چارچوب نهادها یک تعامل قاعده مند داشته و زمینه همگرایی را در نظام بین‌الملل فراهم می‌آورند. در تعریف نظم نهادی به یک دست از قواعد بازی اشاره شده که این قواعد می‌تواند شرایطی را برای روابط بین‌الملل با ثبات به وسیله کاهش تأثیرات منفی آشوب بین‌الملل فراهم کند؛ به عبارتی، دولت‌هایی که اولویت‌های مشترکی دارند، ائتلاف‌های با ثباتی را شکل می‌دهند (مدنی و میرزایی، ۱۴۰۱: ۴۲۰). بنابراین، این پژوهش از نظریه کارکردگرایی برای تبیین نقش نهادها در فرآیند همگرایی بهره می‌برد؛ چراکه نهادگرایی، شکلی از همگرایی است که در آن کشورها به صورت تدریجی و براساس منافع مشترک، همکاری‌های خود را گسترش می‌دهند.

در جهان پسا مدرن، نهادهای بین‌المللی به عنوان بازیگران کلیدی، قادرند نقش رهبری را در نظام جهانی ایفا کرده، هنجارهای جدید خلق کنند، به ایدئولوژی‌ها جهت دهند و ارزش‌های نوینی را در محیط بین‌الملل بنیان‌گذاری نمایند. چندجانبه‌گرایی با هدف کاهش تمرکز قدرت، می‌کوشد مسیر تصمیم‌گیری و توسعه جهانی را از سلطه قدرت‌های محدود خارج کرده و آن را به سوی سازوکارهای نهادینه و مشارکتی هدایت کند. یکی از جنبه‌هایی که در ادبیات روابط بین‌الملل کمتر مورد توجه قرار گرفته، نقش نهادها به عنوان عناصر کلیدی در تسهیل همگرایی و چارچوب‌سازی برای همکاری میان کشورهاست. این نهادها با ایجاد ساختارهای قانون‌مند و با ثبات، به ارتقای ظرفیت دولت‌ها در مدیریت مناسبات بین‌المللی یاری می‌رسانند و همچون شتاب دهنده‌هایی برای تعاملات چندجانبه عمل می‌کنند. همان گونه که در مفهوم مدرن، شتاب دهنده‌ها در رشد و توسعه استارت‌آپ‌ها نقش حیاتی دارند، نهادهای بین‌المللی نیز با فراهم آوردن بسترهای حمایتی، مشورتی و ارتباطی، شرایط را برای مشارکت مؤثر قدرت‌های نو ظهور در ساختار جهانی مهیا می‌سازند.

۲- پیشینه تحقیق

هرد^۱ (۲۰۲۴) در کتاب «سازمان‌های بین‌المللی: سیاست، حقوق، عمل» با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی تعاملات میان قدرت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی می‌پردازد. این اثر با تحلیل ساختارهای حقوقی و سیاسی نهادها، به ارزیابی چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر رفتار دولت‌ها و چالش‌های موجود در نظام

1. Ian Hurd

بین‌المللی می‌پردازد. از جمله موضوعات مورد توجه در این مقاله، نقش نهادها در تسهیل همکاری‌های بین‌المللی و تأثیر آن‌ها بر تقویت چند جانبه‌گرایی است.

هرد (۲۰۲۴) در مقاله «علم نظم جهانی» با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی چالش‌های موجود در مطالعات علمی نظم بین‌المللی پرداخته و نقدهایی به رویکردهای موجود در این حوزه ارائه داده است. هرد با اشاره به دیدگاه‌های کلاسیک در روابط بین‌الملل، به تحلیل و بررسی مفاهیم نظم و بی‌نظمی در سیاست جهانی پرداخته است. در این مقاله تلاش شده تا با نقد رویکردهای موجود، مسیرهای جدیدی برای مطالعه نظم بین‌المللی پیشنهاد شود.

احمدی نژاد و قربانی شیخ نشین (۱۴۰۲) در مقاله «سناریوی چند جانبه‌گرایی در نظم پسا کرونا و راهبرد سیاست گذاری ایران در آن» نویسندگان با استفاده از روش آینده پژوهی و رویکرد سناریو سازی، به تحلیل سناریوهای مختلف چند جانبه‌گرایی در دنیای پسا کرونا پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که چند جانبه‌گرایی می‌تواند سناریویی مطلوب در دنیای پسا کرونا باشد و ایران به عنوان بازیگری بالقوه، نیازمند اتخاذ راهبردهایی ویژه برای سهم شدن در ایجاد این نظم مطلوب است.

انصاری نسب و بیدمال (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل چند جانبه‌گرایی تجارت ایران برای استفاده بهینه از موقعیت ژئوپلیتیک سازمان همکاری شانگهای» با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل نقش چند جانبه‌گرایی در سیاست تجاری ایران با تمرکز بر موقعیت ژئوپلیتیک این کشور در سازمان همکاری شانگهای پرداخته شده است. مقاله به تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های موجود در بهره‌برداری از این موقعیت ژئوپلیتیک برای تقویت تجارت ایران می‌پردازد.

منصوری، ترابی و حیدرپور (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم انداز این ده سیاست جهانی» با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای، با استفاده از نظریه توسعه اقتصادی روستو^۱، راهبردهای توسعه اقتصادی کشورهای عضو گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) مورد تحلیل قرار گرفته است. این مقاله به بررسی عواملی می‌پردازد که این کشورها را از سیطره اقتصاد لیبرالی به سمت نظم اقتصادی جدید سوق داده است.

سجادپور، ظریف و مولایی (۱۳۹۵) در کتاب «دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پسا غربی» با روش توصیفی - تحلیلی به اهمیت دوران گذار در روابط بین‌الملل، طولانی بودن دوران گذار، توزیع قدرت

1. Walt Whitman Rostow

و تحول نظم، ایدئولوژی رقیب، تلاش کنشگران برای جهت‌دهی، تکثر و تنوع کنشگران، ضرورت ائتلاف، نقش و جایگاه مناطق و نقش اقتصاد در تحولات بین الملل پرداخته است.

مصلی نژاد (۱۳۹۳) در مقاله «چند جانبه گرایی نا متوازن در سیاست گذاری تحریم اقتصادی ایران» با روش توصیفی-تحلیلی به چند جانبه گرایی نا متوازن به مثابه بخشی از سیاست راهبردی جهان غرب برای محدودسازی قابلیت های اقتصادی و بین المللی ایران در سیاستگذاری تحریم اقتصادی ایران، معطوف به سازوکارهای اجرایی و نهادهای قانون گذار آمریکا و اتحادیه اروپاست.

کمالی اردکانی (۱۳۸۷) در مقاله «فرصت ها و چالش های تعامل منطقه گرایی و چند جانبه گرایی» با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی تعامل میان گسترش سریع ترتیبات منطقه ای و تحولات نظام تجاری چند جانبه پرداخته می شود. هدف این تحلیل، ارزیابی این موضوع است که آیا این ترتیبات منطقه ای به عنوان موانع و محدودکننده های نظام تجاری جهانی عمل می کنند یا برعکس، به عنوان سازنده ها و تسهیل کنندگان آن به شمار می آیند.

نوآوری پژوهش حاضر در تمرکز ویژه آن بر نقش نهادهای بین المللی به عنوان ابزارهای کارآمد در جهت پیشبرد منافع ملی کشورهایی مانند ایران نهفته است؛ برخلاف اغلب پژوهش های پیشین از جمله آثار هرد (۲۰۲۴) که بیشتر بر تحلیل ساختارهای حقوقی، سیاسی و چالش های نظم جهانی تمرکز دارند، این مقاله با رویکردی کاربردی و آینده نگر، به بررسی ظرفیت های چند جانبه گرایی در بهره برداری راهبردی از این نهادها برای تقویت جایگاه منطقه ای و بین المللی ایران می پردازد. تمرکز بر نقش شتاب دهنده ای نهادها در فرآیند همگرایی، مشارکت فعال در نظم نوین جهانی و ارائه پیشنهادهای عملی برای سیاست گذاری ایران، از جمله وجوه متمایز و نوآورانه این پژوهش به شمار می رود.

۲- چارچوب نظری پژوهش

در سال های اخیر، توجه به نقش نهادهای بین المللی در ساختار جهانی و تعاملات بین المللی افزایش یافته است. این نهادها به عنوان ارکان اصلی در فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهانی ایفای نقش می کنند و در دنیای امروز، نقش های چندگانه ای را ایفا می کنند که فراتر از نقش سنتی تسهیلگری در زمینه های اقتصادی و امنیتی است. با بکارگیری ابزار شتاب دهنده به عنوان یک ابزار مدیریتی، این نهادها به بررسی و تحلیل تعاملات میان قدرت های جهانی و نهادهای بین المللی پرداخته اند.

نظریه نهادگرایی نولیبرال، با تأکید بر نقش نهادهای بین المللی در تسهیل همکاری میان دولت ها،



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های جهانی اسلام



کاهش هزینه‌های تعاملات بین‌المللی و ایجاد هنجارهای مشترک، به عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است. این رویکرد بر این فرض استوار است که دولت‌ها، به عنوان کنشگران عقلانی، با همکاری در نهادهای بین‌المللی می‌توانند منافع مشترک خود را تحقق بخشند و از منافع فردی خود فراتر روند. در این زمینه، نهادهای بین‌المللی به عنوان شتاب دهنده‌هایی عمل می‌کنند که با ایجاد ساختارهای قاعده‌مند، زمینه همگرایی و همکاری میان دولت‌ها را فراهم می‌آورند. در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع که به تحلیل نهادهای بین‌المللی به عنوان شتاب دهنده دولت‌ها با تأثیرپذیری از اصل چند جانبه‌گرایی به نقش الگویی قدرت‌های نوظهور می‌پردازد، از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های اسنادی و منابع کتابخانه‌ای به بررسی عمیق این موضوع پرداخته و در نهایت، چارچوبی برای ارزیابی نقش نهادهای بین‌المللی در تقویت همگرایی و منافع ملی قدرت‌های نوظهور ارائه می‌شود.

۲-۱- مفاهیم پژوهش

در تحولات معاصر روابط بین‌الملل، مفاهیم کلیدی همچون چند جانبه‌گرایی، قدرت‌های نوظهور، شتاب دهنده‌ها و نهادهای بین‌المللی به عنوان ارکان اصلی شکل دهنده نظم جهانی جدید مطرح شده‌اند. ترکیب این مفاهیم نشان‌دهنده تحولی در دیپلماسی اقتصادی و حکمرانی جهانی است که در آن قدرت‌های نوظهور با بهره‌گیری از شتاب دهنده‌ها و نهادهای بین‌المللی، به دنبال شکل‌دهی به نظم نوین جهانی هستند.

۲-۱- چند جانبه‌گرایی

در گذشته، نظم جهانی تحت سلطه قدرت‌های بزرگ قرار داشت. اما در سال‌های اخیر، با ظهور قدرت‌های نوظهور شاهد انتقال به یک نظم جهانی چندقطبی هستیم. این تغییر به کشورهای مختلف این امکان را می‌دهد که در سطوح جهانی نقش‌آفرینی کنند و رویه‌های حاکم بر آن را تغییر دهند. در این نظم جدید، چند جانبه‌گرایی جایگزین یک‌جانبه‌گرایی شده است و کشورهای مختلف به جای اتکا به قدرت‌های بزرگ، به همکاری‌های جمعی روی آورده‌اند. چند جانبه‌گرایی یک اقدام مبتنی بر همکاری بین کشورهای متعدد با هدف مدیریت نظامند و مستمر مسائل بین‌الملل شناخته می‌شود. در این رویکرد که همکاری‌های چندجانبه می‌تواند به چالش‌هایی کمک کند که کشورها به تنهایی قادر به حل آنها نیستند (کاهلر^۱، ۲۰۲۱: ۵).

۲-۲- قدرت‌های نوظهور

قدرت‌های نوظهور، کشورهایی هستند که با سرعت فزاینده‌ای در حال افزایش نقش و تأثیر خود در نظام

1. Kahler, Miles

بین‌المللی هستند. این کشورها به ویژه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، تلاش دارند جایگاه خود را در سلسله مراتب جهانی تثبیت کرده و آن را ارتقا دهند. با رشد توان اقتصادی، جمعیتی و ژئوپلیتیکی، قدرت‌های نوظهور نه تنها خواستار ایفای نقشی پررنگ‌تر در نهادهای بین‌المللی موجود هستند، بلکه در مواردی نیز به دنبال ایجاد نهادهای جدید برای بازتاب بهتر منافع و دیدگاه‌های خود بوده‌اند (منصوری، ترابی و حیدرپور، ۱۴۰۱: ۱۱۲).

۲-۳- شتاب‌دهنده

در این پژوهش، «شتاب‌دهنده» به عنوان مفهومی تحلیلی برای توضیح نقش نهادهای بین‌المللی در افزایش سرعت و کارآمدی فرایندهای همکاری و همگرایی به کار می‌رود. در این معنا، نهادها صرفاً تسهیل‌کننده نیستند، بلکه با ایجاد قواعد مشترک، تقویت مشروعیت، فراهم‌سازی دسترسی به شبکه‌های همکاری و کاهش هزینه‌های تعامل، روند تحقق اهداف کشورهای عضو را شتاب می‌بخشند. به ویژه برای قدرت‌های نوظهور، این نهادها می‌توانند سازوکاری برای سرعت‌بخشیدن به حضور و اثرگذاری در نظام بین‌الملل فراهم کنند.

۲-۴- نهادگرایی لیبرال

نهادهای بین‌المللی به عنوان شتاب‌دهنده‌هایی برای کشورهای نوظهور، از جمله ایران، عمل می‌کنند و فرصت‌های جدیدی را برای مشارکت و همکاری در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌آورند. این نهادها می‌توانند با ایجاد یک ساختار دموکراتیک و مشارکتی به تحول هویتی و تقویت موقعیت این کشورها در سطح جهانی کمک کنند. این اقدامات نه تنها به ارتقای دانش و مهارت‌ها کمک می‌کند، بلکه بستر تعاملات بین‌فرهنگی را فراهم می‌آورد که منجر به درک بهتر، همگرایی اجتماعی و توسعه پایدار می‌شود (فولگر^۱، ۲۰۱۹: ۱۳۳).

۲-۵- جمهوری اسلامی ایران

در این پژوهش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی و هویتی متمایز در نظر گرفته شده است که موقعیت آن در نظام بین‌الملل تحت تاثیر میزان بهره‌گیری از سازوکارهای نهادی و چندجانبه قرار دارد. ایران با دارا بودن نقش موثر در معادلات امنیتی و انرژی منطقه، برای ارتقای جایگاه خود ناگزیر از تعامل هدفمند با نهادهای بین‌المللی است. از این رو می‌تواند با استفاده راهبردی از ظرفیت‌های نهادی، اثرگذاری خود را در عرصه جهانی افزایش دهد.

1. Vogler, Jolanda



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بین‌المللی
انجمن مطالعات جهان اسلام
جمعية دراسات العالم الاسلامي

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- نهادهای بین المللی به عنوان ابزار تسهیلگر در محیط بین الملل

در دنیایی که با بحران های متعدد روبه روست، همکاری های بین المللی و نهادهای مؤثر می توانند به عنوان ابزارهایی کلیدی برای مدیریت این بحران ها عمل کنند. نهادگرایی این امکان را می دهد که کشورها براساس اصول مشترک همکاری کنند، قوانین را تصویب، استانداردها را ایجاد و در نهایت، تنش ها و سوء تفاهم ها را کاهش دهند و می خواهند که نگرشی یکجانبه گرایانه در روابط بین الملل حاکم نشود. بلکه، نظام جهانی باید به گونه ای طراحی شود که همه کشورها به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته بتوانند صدای خود را در عرصه بین الملل بازتاب دهند و به طور شفاف و عادلانه در فرآیندهای تصمیم گیری مشارکت کنند (ظریف، ۵۰: ۱۳۹۸-۷۵). پژوهشگران پیش بینی می کنند که با توجه به بحران های جهانی و نیاز به همکاری بین کشورها، نهادگرایی و چندجانبه گرایی نه تنها ادامه خواهد داشت بلکه به عنوان ابزارهای کلیدی برای مواجهه با چالش های جهانی به کار خواهند رفت (هافمن، ۲۰۲۰: ۷۶۶).

نهادهای بین المللی به عنوان شتاب دهنده های همکاری فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عمل می کنند و این امکان را برای کشورهای نوظهور فراهم می آورند تا الگوهای موفق و تجربیات دیگر کشورها را از نزدیک مطالعه و اجرا کنند. این نهادها می توانند پلتفرم هایی برای تبادل فرهنگی، کارگاه های آموزشی و شبکه های همکاری ایجاد کنند که موجب افزایش مشارکت فعال کشورهای نوظهور در گفتمان جهانی می شود. برای تسهیل ارتباطات با استفاده از ظرفیت نهادی، نهادهای بین المللی می توانند برنامه هایی انجام دهند که عبارتند از: برگزاری کنفرانس ها و ورکدهای های مشترک جهت هم افزایی بین کشورهای خاور میانه و آسیای مرکزی؛ تشکیل ائتلاف های منطقه ای با هدف حل مسائل مشترک؛ سرمایه گذاری در پروژه های مشترک و تأمین مشترک مالی این پروژه های در سطح منطقه؛ تدوین برنامه های آموزشی مشترک برای انتقال تجربیات در زمینه های فنی، ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی و از بین بردن موانع تجاری با استفاده از توافقات تجاری، تسهیلات مالی و کاهش تعرفه ها (گودمن^۲، ۱۹۷۸: ۷۳). نهادهای بین المللی به عنوان تسهیلگر در دیپلماسی منطقه ای نقشی حیاتی ایفا می کنند. این نهادها با فراهم کردن بسترهای لازم برای گفت وگوهای چندجانبه و طراحی ساختارهای جدید همکاری، می توانند به کاهش تنش ها و ارتقاء



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۰

سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

1. Sabine Hoffmann
2. Goodman, Claire



همکاری‌های منطقه‌ای کمک کنند. به عنوان نمونه، سازمان ملل متحد^۱ و سازمان امنیت و همکاری آسیا^۲ از جمله نهادهایی هستند که با فراهم آوردن فضایی برای حل و فصل منازعات، می‌توانند نقش تسهیلگری مهمی در عرصه دیپلماسی منطقه‌ای ایفا کنند. این نهادها با استفاده از سازوکارهای نوین مانند پروتکل‌های شفافیت، الگوریتم‌های داده محور و مشارکت فعال همه کشورها، امکان دستیابی به توافقات مشترک را فراهم می‌آورند (هارد^۳، ۲۰۲۴: ۱۹).

این نهادها برای کشورها می‌توانند به عنوان کانال‌هایی برای گفتمان‌های سازنده و کاهش تنش‌های منطقه‌ای عمل کنند. با استفاده از سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی^۴، سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شانگهای^۵، ایران می‌تواند به طور مؤثری در تقویت ثبات منطقه‌ای و ایجاد همگرایی‌های اقتصادی و سیاسی نقش آفرینی کند.

نهادهای بین‌المللی امروز فراتر از نقش تسهیلگری، به عنوان بازیگران مؤثر در شکل‌دهی سیاست‌های جهانی شناخته می‌شوند. این نهادها از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی^۶ در تعیین جهت‌گیری‌های اقتصادی جهانی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند. این نهادها نه تنها در تسهیل مبادلات تجاری و اقتصادی میان کشورها نقش دارند، بلکه به عنوان ابزارهایی برای ایجاد سیاست‌های مشترک در مواجهه با چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و بحران‌های انسانی عمل می‌کنند (بالدوین^۷، ۲۰۱۸: ۶۲).

کشور ایران در زمینه جهانی‌شدن و تحولات اقتصادی، می‌تواند با بهره‌برداری از این نهادها، روابط اقتصادی خود را با کشورهای مختلف گسترش دهد. به ویژه در زمینه‌های انرژی و فناوری‌های نوین، ایران می‌تواند از طریق همکاری‌های چندجانبه، به ویژه در حوزه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، منافع اقتصادی خود را افزایش دهد و با استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی، به ویژه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، برای توسعه پروژه‌های زیرساختی و اقتصادی خود بهره‌برداری کرده و از ظرفیت‌های جهانی برای جذب سرمایه‌گذاری استفاده نماید (استیون^۸، ۲۰۱۵: ۱۸۲).

1. United Nations
2. Association of Southeast Asian Nations
3. Ian Hurd
4. Organisation of Islamic Cooperation
5. Shanghai Cooperation Organisation
6. World Trade Organization (WTO)
7. Baldwin, David A
8. SACHS, Stephen E

بین‌المللی می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی، همکاری‌های علمی و تبادلات فرهنگی به‌عنوان شتاب‌دهنده تحولات مثبت اجتماعی و فرهنگی در کشورهای نوظهور عمل کنند. به صورت مصداقی می‌توان این موضوع را از چندین بعد بررسی کرد:

الف) برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی نیروی انسانی: یکی از اقدامات موثری که نهادهای می‌توانند در زمینه آموزشی و توانمندسازی انجام دهند انتقال دانش و مهارت از طریق نهادهایی مانند یونسکو، بانک جهانی و سازمان ملل است که بایسترسازی در زمینه ی آموزشی به ارتقای سطح سواد علمی، فنی و مدیریتی در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند؛ دیگر اقدام تاثیرگذار حمایت از آموزش عالی با ایجاد دانشگاه‌های مشترک، ارائه بورس‌های تحصیلی و حمایت از تحقیق و توسعه است که می‌تواند به پرورش نخبگان محلی منجر شود؛ ابتکار دیگری که می‌تواند اثرگذار باشد دیجیتال سازی آموزش است که امکان تسهیل دسترسی به منابع آموزشی آنلاین و توسعه فناوری‌های آموزشی فراهم می‌کند و در نتیجه نابرابری‌های آموزشی را کاهش داده و امکان یادگیری گسترده تر را فراهم می‌کند؛ گام بعدی در این مسیر تشکیل شبکه‌های علمی بین‌المللی بابرگزاری کنفرانس‌ها، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و ایجاد مراکز نوآوری است که می‌تواند کشورهای نوظهور را به دانش و فناوری‌های پیشرفته متصل کند؛ اقدام مکملی که می‌توان در نظر گرفت، توسعه دیپلماسی فرهنگی و گردشگری به عنوان ابزاری برای تقویت همکاری‌های منطقه ای است. برای مثال کشور ایران می‌تواند با تکیه بر تجربیات خود در میزبانی رویدادهای بین‌المللی گردشگری، زمینه ساز تعاملات گسترده تری میان کشورهای همسایه شود. همچنین، ایجاد و یزای مشترک گردشگری میان ایران، عراق، ترکیه و برخی از کشورهای آسیای مرکزی، مشابه طرح و یزای شورای همکاری خلیج فارس ('GCC')، می‌تواند به تسهیل رفت و آمد گردشگران، رونق اقتصادی و گسترش تعاملات فرهنگی کمک کند. چنین ابتکاراتی علاوه بر تقویت روابط دیپلماتیک، زمینه ساز حل مسائل مشترک منطقه ای نیز خواهد شد.

ب) تبادلات فرهنگی و تعاملات بین اجتماعی: یکی از کارهایی که نهادها در زمینه ی تبادلات فرهنگی و اجتماعی می‌توانند انجام دهند، فراهم کردن بستری برای تبادلات دانشجویی بین کشورهای منطقه و تاسیس دانشگاه‌های بین‌المللی هست. این برنامه‌ها به شهروندان کشورهای نوظهور امکان می‌دهد تا با فرهنگ‌ها و ارزش‌های جهانی آشنا شوند و از ایده‌های نوین الهام بگیرند. نهادهای بین‌المللی می‌توانند از طریق پروژه‌های مشترک هنری، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و حمایت از زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی،



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

هویت فرهنگی جوامع را تقویت کنند. دیپلماسی فرهنگی از طریق حمایت از رسانه‌ها، ادبیات و سینما می‌تواند تصویر مثبتی از جوامع مختلف ارائه دهد و از سوء برداشت‌های فرهنگی جلوگیری کرد.

ج) ایجاد بسترهای سیاست‌گذاری برای توسعه پایدار: در دنیای پیچیده و در حال تحول امروز سیاست‌گذاری پایدار و کارآمد نیازمند تعامل و همکاری میان نهادهای بین‌المللی از طریق ارائه سیاست‌گذاران محلی است. نهادهای بین‌المللی از طریق ارائه دانش تخصصی، منابع مالی و تسهیل تبادل تجربیات، نقش مهمی در توانمندسازی سیاست‌گذاران محلی ایفا می‌کنند (برنامه توسعه ملل متحد،^۱ ۲۰۲۰). این سازمان‌ها با ایجاد چارچوب‌های سیاست‌گذاری، حمایت از جامعه مدنی و ترویج اصول حقوق بشر، به توسعه پایدار و تقویت حاکمیت قانون کمک می‌کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۰: ۱). علاوه بر این، توانمندسازی سیاست‌گذاران محلی از طریق برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی، موجب افزایش شفافیت، پاسخگویی و کارآمدی حکومت‌ها شده و بستری مناسب برای توسعه اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲، ۲۰۱۹: ۱). در نتیجه، همکاری میان نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاران محلی نه تنها موجب بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌شود، بلکه راه را برای حکمرانی دموکراتیک و پایدار هموار می‌کند.

۲-۵- تأثیر نهادهای بین‌المللی بر قدرت‌های نوظهور

قدرت‌های نوظهور، کشورهایی هستند که با سرعت فزاینده‌ای در حال افزایش نقش و تأثیر خود در نظام بین‌المللی هستند. این کشورها به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، تلاش دارند جایگاه خود را در سلسله مراتب جهانی تثبیت کرده و آن را ارتقا دهند. بارش توان اقتصادی، جمعیتی و ژئوپلیتیکی، قدرت‌های نوظهور نه تنها خواستار ایفای نقشی پررنگ‌تر در نهادهای بین‌المللی موجود هستند، بلکه در مواردی نیز به دنبال ایجاد نهادهای جدید برای بازتاب بهتر منافع و دیدگاه‌های خود بوده‌اند. در نظم بین‌المللی معاصر، سازوکارهایی سیاسی، نهادی و حقوقی تحت عنوان «حکمرانی جهانی» به وجود آمده‌اند که برای مدیریت مسائل پیچیده جهانی، از جمله اقتصاد سیاسی بین‌الملل و منازعات ژئوپلیتیکی، طراحی شده‌اند. این سازوکارها که در قالب نهادهایی همچون شورای امنیت سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نمود یافته‌اند، عمدتاً تحت سلطه قدرت‌های غربی به ویژه ایالات متحده و کشورهای اروپایی قرار دارند. با این حال، کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور سهم

1. United Nation Development Programme (UNDP)
2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

اندکی در مدیریت این نهادها دارند. این عدم توازن، سبب شده است که قدرت‌های نوظهور همزمان باتلاش برای افزایش سهم و نفوذ خود در ساختارهای موجود، به تأسیس نهادهای جدید نیز روی آورند. نمونه بارز این روند، تأسیس بانک توسعه بریکس^۱ در سال ۲۰۱۳ در اجلاس دوربان^۲ آفریقای جنوبی است که با هدف تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای کشورهای عضو و سایر کشورهای در حال توسعه طراحی شد. همچنین بانک آسیایی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به ابتکار چین و با عضویت گسترده کشورهای، یکی دیگر از نهادهایی است که در راستای تقویت ساختار مالی مستقل از غرب به وجود آمده است. کارشناسان، تأسیس این نهادهای موازی را نشانه‌ای از تلاش قدرت‌های نوظهور برای شکل‌دهی به نظامی چندقطبی در عرصه حکمرانی جهانی می‌دانند (منصوری، ترابی وحیدپور، ۱۴۰۱: ۱۱۲).

نهادهای بین‌المللی از جمله بازیگران کلیدی در فرآیند جهانی سازی فرهنگی هستند. این نهادها قادرند از طریق ابزارها و برنامه‌های نوآورانه، نقش تکثیرکننده‌های فرهنگی را ایفا کنند و این امکان را برای کشورهای نوظهور فراهم آورند که به منابع و تجربیات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متنوعی دست یابند. یکی از مهم‌ترین رویکردهایی که نهادهای بین‌المللی می‌توانند به کارگیرند، پروژه تبادل نوآوری است که این پروژه به‌طور ویژه نه تنها الگوهای موفق اقتصادی، بلکه تجربیات فرهنگی و سیاسی کشورهای مختلف را به اشتراک می‌گذارد. این رویکرد به کشورهای نوظهور اجازه می‌دهد، به طور همزمان از دستاوردهای دیگر کشورها در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری کنند و مسیر رشد و توسعه خود را با استفاده از مدل‌های چند جانبه و ترکیب این تجربیات، تعیین کنند.

۵-۳- پروژه تبادل نوآوری: تاثیر چندجانبه‌گرایی قدرت‌های نوظهور بر تجربیات اقتصادی و فرهنگی

پروژه تبادل نوآوری که توسط نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو^۳، بانک جهانی و سازمان‌های مشابه هدایت می‌شود می‌تواند به کشورهای نوظهور این امکان را بدهد تا نه تنها از الگوهای اقتصادی موفق کشورهای پیشرفته بهره‌برداری کنند بلکه از تجربیات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها نیز بهره‌مند شوند. این پروژه‌ها به‌ویژه با استفاده از بسترهای دیجیتال و شبکه‌های جهانی، مسیرهای تبادل تجربیات میان کشورها را تسهیل می‌کنند (لوندوارولونز^۴، ۲۰۱۱: ۲۳۵). این رویکرد علاوه بر ترویج توسعه اقتصادی،

1. Brics
2. Durban
3. Unesco
4. Lundvall, Bengt-Åke; Lorenz, Edward.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

می‌تواند موجب گسترش تبادل فرهنگی و اجتماعی میان کشورها شود. به‌طورخاص، پروژه‌های تبادل نوآوری این امکان را برای کشورهای نوظهور فراهم می‌آورد که از دستاوردهای کشورهای دیگر در زمینه‌های مختلف مانند سیاست‌های آموزشی، نوآوری‌های فناوری، سیاست‌های اجتماعی و حفظ و ترویج فرهنگ‌های بومی بهره‌برداری کنند. به عنوان مثال، کشورهای جنوب جهانی می‌توانند با مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی به روش‌های موفق اداره کشورهای شمال جهانی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دسترسی پیدا کنند. این نهادهای توانمند فضایی برای تعامل و همکاری میان کشورهای مختلف در زمینه‌های هنری، علمی و فرهنگی فراهم کنند. به عنوان مثال، سازمان یونسکو در سال‌های اخیر برنامه‌های مختلفی را با هدف حفظ و ترویج تنوع فرهنگی، تبادل دانش و فناوری‌های فرهنگی و حمایت از زبان‌ها و میراث فرهنگی جوامع مختلف برگزار کرده است. یونسکو به عنوان یک نهاد بین‌المللی برجسته، در تلاش است تا فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف را در سطوح جهانی معرفی کرده و ارتباطات فرهنگی میان ملت‌ها را تقویت کند (یونسکو ۲۰۲۱: ۱). نهادهای بین‌المللی نه تنها در تقویت هویت‌های ملی و محلی نقش دارند، بلکه به عنوان پلتفرم‌هایی برای ترویج هویت‌های فرهنگی جهانی و چندفرهنگی نیز عمل می‌کنند. به طور مثال، در اجلاس‌های جهانی مانند نشست‌های داووس و جلسات مجمع عمومی سازمان ملل، مسائل فرهنگی و اجتماعی به طور جدی مطرح می‌شوند و نهادهای بین‌المللی از طریق برنامه‌ها و ابتکارات خود به ترویج هویت‌های فرهنگی جدید می‌پردازند که منعطف و سازگار با محیط جهانی هستند. این امر به کشورهای مختلف این امکان را می‌دهد تا هویت‌های فرهنگی خود را با توجه به نیازهای جهانی روز به روز تقویت کنند (مک گروهلد، ۲۰۰۷: ۴۵). نهادهای بین‌المللی، به ویژه سازمان‌هایی مانند یونسکو و برنامه‌های مرتبط با آن، نقش اساسی در ارتقاء تبادل فرهنگی از طریق آموزش دارند. این نهادها با تدوین برنامه‌های آموزشی، برگزاری دوره‌های تخصصی و برگزاری کنفرانس‌های جهانی، زمینه‌های لازم را برای مبادلات فرهنگی فراهم می‌آورند. این مبادلات نه تنها در سطح دولت‌ها بلکه در سطح دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی نیز در جریان هستند (جنکینز، ۲۰۲۰: ۱۱۷).

۵-۴- تأثیر چندجانبه‌گرایی به عنوان شتاب دهنده بر بهبود الگوهای حکمرانی

یکی از نقش‌های کلیدی نهادهای بین‌المللی در فرآیند جهانی‌سازی فرهنگی، تکثیر و ترویج الگوهای حکمرانی چندجانبه است. این نهادهای توانمند با ایجاد پلتفرم‌هایی برای تبادل تجربیات در زمینه‌های حکمرانی، سیاست‌گذاری و فرهنگ، به کشورهای نوظهور کمک کنند تا از الگوهای موفق و تجربیات

1. Held, David, & McGrew, Anthony G.

2. Jennifer Jenkins



کشورهای دیگر بهره‌برداری کنند (راجرز و سردار^۱، ۹۸:۲۰۲۱) به ویژه در زمینه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی، کشورهای نوظهور می‌توانند با مطالعه تجربیات کشورهای پیشرفته، به راهکارهای جدید و مؤثری در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی خود دست یابند. پروژه‌های تبادل نوآوری، به ویژه با استفاده از فناوری‌های نوین و بسترهای دیجیتال، می‌توانند فرایندهای حکمرانی را در کشورهای نوظهور دگرگون کنند و به آنان این امکان را بدهند که به طور هوشمندانه تری با چالش‌های جهانی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مواجه شوند. در این راستا، نهادهایی مانند یونسکو می‌توانند بابرگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی، تجربیات کشورهای مختلف را در قالب پروژه‌های مشترک معرفی کرده و فرصتی برای کشورهای نوظهور فراهم کنند تا با بهره‌گیری از این تجربیات، مدل‌های حکمرانی خود را بهبود بخشند.

۵-۵- تأثیر چندجانبه گرایی بر توسعه فرهنگی و اجتماعی کشورهای نوظهور

پروژه‌های تبادل نوآوری علاوه بر تأثیرات اقتصادی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی چشمگیری نیز دارند. این پروژه‌ها با ترویج همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی، به کشورهای نوظهور این فرصت را می‌دهند تا فرهنگ‌های بومی خود را در قالب‌های جهانی به نمایش بگذارند و در عین حال از تنوع فرهنگی دیگر کشورها بهره‌مند شوند. این نوع تبادل فرهنگی می‌تواند به ایجاد فضاهایی برای برقراری دیالوگ‌های فرهنگی و اجتماعی منجر شود که به تقویت همبستگی و احترام متقابل میان ملت‌ها کمک می‌کند (شولت^۲، ۲۰۲۰: ۱۲۴). نهادهای بین‌المللی با پشتیبانی از این تبادلات می‌توانند به کشورهای نوظهور این امکان را بدهند که از تنوع فرهنگی به عنوان یک منبع قدرت استفاده کنند. ایران، به عنوان یک کشور نوظهور در زمینه‌های مختلف، می‌تواند از ظرفیت‌های این نهادها بهره‌برداری کند تا فرهنگ خود را در سطح جهانی معرفی کرده و از تجربیات کشورهای دیگر در زمینه حکمرانی و توسعه استفاده کند. برای مثال، ایران می‌تواند با مشارکت در پروژه‌های تبادل نوآوری به ویژه در زمینه آموزش، علوم انسانی و هنر، تجربیات فرهنگی خود را با کشورهای دیگر به اشتراک بگذارد و در عین حال از مدل‌های موفق در این زمینه‌ها بهره‌برداری کند.

۵-۶- مدل‌های موفق تبادل نوآوری در سطح جهانی: مثال‌هایی از پروژه‌های موفق

یکی از نمونه‌های موفق از پروژه‌های تبادل نوآوری، همکاری‌های یونسکو در زمینه حفظ میراث فرهنگی است. یونسکو با حمایت از پروژه‌هایی همچون "شبکه‌های شهرهای خلاق" و "راهکارهای

1. Rogers, Anthony, & Sardar, Ziauddin
2. Jan Aart Scholte



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی"، به کشورهای نوظهور این امکان را می‌دهد که از تجربه‌های کشورهای دیگر در حفظ و ترویج فرهنگ‌های محلی و جهانی استفاده کنند. این پروژه‌ها به ویژه در زمینه ترویج گردشگری فرهنگی و حفاظت از زبان‌ها و هنرهای بومی بسیار مؤثر بوده‌اند و کشورهای مختلف از این تجربیات بهره‌برداری کرده‌اند (یونسکو، ۱۳۹۱). همچنین، پروژه‌های مانند "تبادل نوآوری در فناوری و نوآوری‌های دیجیتال" که توسط سازمان‌های بین‌المللی و کنسرسیوم‌های جهانی راه اندازی شده‌اند، موجب می‌شوند که کشورهای نوظهور بتوانند از مدل‌های موفق در زمینه دیجیتالیزه شدن و نوآوری‌های فناورانه بهره‌برداری کنند. این پروژه‌ها نه تنها در زمینه‌های اقتصادی، بلکه در زمینه‌های فرهنگی نیز تأثیرگذار بوده‌اند. رسانه‌ها و تکنولوژی‌های نوین ابزارهای بسیار مؤثری برای گسترش و تکثیر فرهنگ در سطح جهانی هستند. نهادهای بین‌المللی با ارائه بودجه‌های حمایتی و منابع مالی می‌توانند برای تولید محتوای فرهنگی و هنری در قالب فیلم‌ها، مستندها، کتاب‌ها و سایر رسانه‌ها، نقش مهمی در توسعه فرهنگی ایفا کنند. این نهادها به ویژه در زمینه تولید محتوایی که به مسائل جهانی مانند تغییرات اقلیمی، حقوق بشر، تنوع فرهنگی و دیگر مسائل اجتماعی پرداخته‌اند، تأثیر بسزایی دارند (ویل و دیگران، ۱۳۹۴).

ایران به چه صورت از نهادهای بین‌المللی استفاده می‌کند؟ ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود در منطقه و نیز با چالش‌هایی که در سطح جهانی با آن روبه‌روست، می‌تواند از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی به‌طور مؤثری برای تقویت جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود استفاده کند. حضور فعال در این نهادها می‌تواند به ایران کمک کنند تا نه فقط به‌عنوان یک عضو عادی، بلکه به‌عنوان یک تأثیرگذار در سیاست جهانی شناخته شود. هر چند عضویت در نهادهای بین‌المللی برای ایران خالی از چالش نیست و گاه با محدودیت‌ها، فشارهای سیاسی و مقاومت‌هایی از سوی برخی قدرت‌های بین‌المللی همراه است، اما در بلندمدت این مسیر، ضرورتی راهبردی به‌شمار می‌رود. ایران برای دستیابی به منافع ملی، کاهش فشارهای خارجی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز ایفای نقش مؤثر در تحولات جهانی، ناگزیر از مشارکت هوشمندانه و فعال در سازوکارهای چندجانبه است. در این چارچوب، بهره‌گیری استراتژیک از نهادهای بین‌المللی می‌تواند به ایران امکان دهد تا فراتر از عضویت صرف، به تأثیرگذاری واقعی دست یابد که عبارتند از:

الف) استفاده استراتژیک از نهادهای بین‌المللی: ایران می‌تواند از نهادهای بین‌المللی نه فقط به‌عنوان

یک عضو، بلکه به عنوان ابزاری برای تقویت روابط و پیشبرد منافع ملی خود استفاده کند. به جای اینکه فقط در سازمان‌های جهانی عضویت پیدا کند، می‌تواند با پیگیری منافع خود در این سازمان‌ها، موقعیتش را در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای تقویت کند. برای مثال، سازمان ملل متحد می‌تواند بستری برای پیگیری مسائل کلان امنیتی، اقتصادی و اجتماعی ایران باشد. با حضور در مجامعی چون مجمع عمومی و شورای امنیت، ایران می‌تواند روایت خود را در حوزه‌های گوناگون مطرح کرده و بابرقراری ارتباط مؤثر با سایر کشورها، در روندهای تصمیم‌گیری جهانی مشارکت داشته باشد. همچنین، سازمان جهانی تجارت ظرفیتی مهم برای بازسازی روابط اقتصادی ایران با جهان فراهم می‌آورد. با عضویت فعال در این سازمان و مشارکت در نظام تجارت آزاد، ایران می‌تواند مسائل تجاری و موانع ناشی از تحریم‌ها را از مسیرهای حقوقی و چندجانبه دنبال کند. این رویکرد می‌تواند به افزایش شفافیت اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات منجر شود. از سوی دیگر، نهادهای منطقه‌ای مانند سازمان همکاری‌های شانگهای یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز بستر مناسبی برای تعمیق روابط با قدرت‌هایی چون چین و روسیه و کشورهای همسایه فراهم می‌کنند. این همکاری‌ها به ایران امکان می‌دهد تا در کنار تقویت جایگاه منطقه‌ای خود، بخشی از روندهای اقتصادی و امنیتی آسیای میانه و اوراسیا باشد. نکته مهم دیگر، ظرفیت‌سازی برای ایفای نقش فعال در حل مسائل جهانی است. ایران می‌تواند با ارائه طرح‌ها و ابتکارات در حوزه‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی، امنیت غذایی یا بحران‌های انسانی، تصویر خود را به عنوان کشوری مسئولیت‌پذیر و دارای ابتکار در جامعه بین‌المللی تقویت کند. در مجموع، ایران باید نهادهای بین‌المللی را نه تنها به عنوان فضایی برای عضویت، بلکه به عنوان سکویی برای پیشبرد منافع ملی، افزایش تعاملات سازنده و تقویت نقش‌آفرینی بین‌المللی خود تلقی کند. گرچه پیوستن به این نهادها با دشواری‌هایی همراه است، اما عبور از این مسیر می‌تواند جایگاه ایران را در نظم جهانی ارتقا دهد و آن را به عنوان یک قدرت مستقل، مؤثر و مشارکت‌جو در عرصه بین‌الملل تثبیت کند.

ب) فرصت‌های فرهنگی و دیپلماسی نرم: ایران با توجه به موقعیت استراتژیک و فرهنگی خود، فرصت‌های زیادی برای تقویت جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌اش از طریق نهادهای بین‌المللی دارد. به جای صرفاً عضویت در این نهادها، ایران می‌تواند از آنها به عنوان ابزاری برای گسترش روابط و همکاری‌های چندجانبه استفاده کند. به طور خاص، در سازمان‌هایی مانند سازمان ملل و سازمان جهانی تجارت، ایران می‌تواند به دنبال تقویت روابط دیپلماتیک و پیگیری منافع ملی خود باشد. این روابط نه تنها می‌تواند موقعیت ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و جهانی تقویت کند، بلکه امکان همکاری



در زمینه های اقتصادی و سیاسی را نیز فراهم می آورد. درکنار این مسائل، نهادهای فرهنگی بین المللی همچون یونسکو فرصت های ویژه ای به ایران می دهند تا روابط فرهنگی و هنری خود را با سایر کشورهای جهان گسترش دهد. ایران با بهره برداری از میراث فرهنگی غنی خود می تواند نقش یک پل ارتباطی بین شرق و غرب را ایفا کند. این روابط فرهنگی می تواند به تقویت هم افزایی علمی و هنری و ایجاد فرصت های مشترک برای تبادل تجربیات و دانش میان کشورهای مختلف بیانجامد. یکی دیگر از ابزارهای مهم ایران در این مسیر، بهره گیری از گردشگری است، ایران با تاریخ کهن، جاذبه های طبیعی و فرهنگی فراوان می تواند به عنوان مقصدی جذاب برای گردشگران معرفی شود از طریق استفاده از رسانه ها، به ویژه شبکه های اجتماعی و مستندهای دیجیتال، ایران می تواند تصویری مثبت و واقعی از خود به جهانیان ارائه دهد. این تصویر می تواند ایران را نه تنها به عنوان کشوری با تاریخ غنی، بلکه به عنوان کشوری مهمان نواز و فرهنگی معرفی کند. علاوه بر این، ایران می تواند روابط خود را با کشورهای فارسی زبان نظیر افغانستان، تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی که شباهت های فرهنگی و زبانی دارند تقویت کند. این کشورها زمینه های زیادی برای همکاری مشترک در زمینه های گردشگری، فرهنگی و آموزشی دارند و ایران می تواند با ایجاد پروژه های مشترک در این زمینه ها، روابط خود را مستحکم تر کند. در نهایت، استفاده از ظرفیت های نهادهای بین المللی، گردشگری و رسانه ها به ایران این امکان را می دهد که نه تنها جایگاه خود را در عرصه جهانی تقویت کند، بلکه در سطح منطقه ای و جهانی به عنوان یک بازیگر مؤثر در دیپلماسی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شناخته شود. این رویکرد جامع می تواند به ایران کمک کند تا روابط خود را با کشورهای دیگر گسترش دهد و به توسعه پایدار و همگرایی فرهنگی و اقتصادی دست یابد.

ج) توسعه اقتصادی با استفاده از نهادهای بین المللی: این توسعه می تواند به فرصتی طلایی برای تقویت زیرساخت های اقتصادی و بهره برداری از منابع جهانی تبدیل شود و علاوه بر استفاده از منابع مالی نهادهایی مثل بانک جهانی، صندوق بین المللی پول کشور ایران می تواند با متمرکز شدن بر ایجاد همکاری های استراتژیک و بلندمدت با کشورهای پیشرفته و توسعه یافته، مسیر پیشرفت اقتصادی خود را هموارتر کند. این همکاری ها می تواند شامل انتقال فناوری، بهبود فرآیندهای تولید و مشارکت در پروژه های بزرگ زیرساختی باشد. با این رویکرد، ایران نه تنها از تسهیلات مالی بهره می برد، بلکه با ایجاد روابط پایدار، در بلندمدت می تواند در دنیای جهانی شده جایگاه خود را تثبیت کند. یکی از فرصت های مهم برای ایران، گسترش همکاری با نهادهای توسعه ای بین المللی است که قادر به ارائه تکنولوژی های پیشرفته و نوآوری های جدید باشند. با همکاری در زمینه های تحقیق و توسعه، ایران می تواند به فناوری های روز دنیا دست یابد و این



امربه بهبود بهره‌وری و کارایی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور کمک خواهد کرد. این پیشرفت‌ها نه تنها باعث بهبود شرایط داخلی می‌شود بلکه ایران را در بازارهای جهانی رقابتی‌تر خواهد کرد. علاوه بر این، ایران می‌تواند از فرصت‌های تجاری و مالی بین‌المللی استفاده کرده و با حضور فعال در پروژه‌های توسعه‌ای منطقه‌ای و جهانی، شبکه‌های تجاری جدیدی بسازد. این شبکه‌ها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش بخش خصوصی کمک می‌کنند و ایران را به یکی از بازیگران مهم در عرصه اقتصاد جهانی تبدیل می‌کنند. در نهایت، یکی از کلیدهای موفقیت ایران در این مسیر، بهبود زیرساخت‌های مالی و بانکی کشور است. ایران می‌تواند با همکاری با نهادهای بین‌المللی و استفاده از تجربیات موفق کشورهای دیگر، سیستم بانکی خود را بازسازی کرده و فرآیندهای مالی داخلی را شفاف‌تر و کارآمدتر کند. این به نوبه خود نه تنها به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند بلکه باعث تسهیل فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشور نیز خواهد شد. در مجموع، ایران با استفاده هوشمندانه از نهادهای بین‌المللی می‌تواند به عضو فعال و مؤثر در شبکه اقتصادی جهانی تبدیل شود. این رویکرد، نه تنها به حل مشکلات اقتصادی داخلی کمک می‌کند، بلکه موقعیت ایران را در عرصه جهانی به عنوان یک شریک قابل اعتماد و قدرتمند در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و مالی ارتقا خواهد داد.

د) علم و فناوری به عنوان موتور پیشرفت: ایران با دارا بودن ظرفیت‌های علمی و فناوریانه برجسته، می‌تواند از فرصت‌های موجود در نهادهای بین‌المللی برای پیشبرد تحقیق و توسعه در سطح جهانی بهره‌برداری مؤثری داشته باشد. در حوزه‌هایی همچون انرژی‌های تجدیدپذیر، نانو تکنولوژی و هوش مصنوعی، ایران پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یکی از بازیگران اصلی در این عرصه‌ها دارد. همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه‌ها می‌تواند نه تنها به روزرسانی و تقویت زیرساخت‌های علمی و فناوری کشور کمک کند، بلکه ایران را به یک مرکز علمی و فناوری معتبر در سطح جهانی تبدیل کند. با این حال، علاوه بر تمرکز بر توسعه فناوری‌های نوین، ایران باید به یک حوزه دیگر نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد: علوم انسانی. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در رشته‌های فنی و مهندسی، توجه بیشتر به علوم انسانی می‌تواند به ارتقای جایگاه ایران در عرصه‌های جهانی کمک کند. حوزه‌هایی همچون اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و فرهنگ از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه پذیر هستند که می‌توانند در تقویت دیپلماسی علمی و فرهنگی ایران و ارتقاء جایگاه آن در سطح جهانی نقشی مؤثر ایفا کنند. علوم انسانی نه تنها به ارتقاء تفکر انتقادی و نوآوری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در درک بهتر مسائل جهانی و برقراری روابط دیپلماتیک پایدار با دیگر کشورها مؤثر باشد. علاوه بر این، برای رسیدن به تغییرات واقعی و پایدار، نیاز است که ساختار و فضای



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

علمی کشور به گونه ای تنظیم شود که دانشجویان تنها به یادگیری تئوری ها و اصول علمی بسنده نکرده، بلکه به طور عملی از این دانش در زندگی روزمره و محیط های کاری استفاده کنند. ایجاد پل ارتباطی میان علم و صنعت، و تشویق جوانان به استفاده عملی از علم و فناوری در پروژه های کاربردی، نه تنها به حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور کمک می کند، بلکه می تواند به ایجاد اشتغال و تقویت کارآفرینی نیز منجر شود. این رویکرد، به ویژه در زمینه توسعه فناوری های نوین، می تواند ایران را به یک نقطه کلیدی در تولید دانش و فناوری های کاربردی در منطقه و حتی در سطح جهانی تبدیل کند. در نتیجه، بای بهره گیری مؤثر از ظرفیت های نهادهای بین المللی و توجه به تقویت علوم انسانی و کاربردی، ایران می تواند به یک مرکز علمی و فناوری شناخته شده در سطح بین المللی تبدیل شود. این تحولات و نوآوری ها، علاوه بر ارتقای سطح علمی و اقتصادی کشور، به تقویت جایگاه ایران در حوزه های اجتماعی و بین المللی نیز کمک خواهد کرد.

ر) امنیت و تأثیرگذاری در سطح جهانی: نهادهای بین المللی می توانند به ایران کمک کنند تا موقعیت خود را در زمینه امنیت منطقه ای و جهانی تقویت کند. عضویت فعال در سازمان هایی مانند سازمان همکاری های اسلامی و سازمان ملل، می تواند ایران را به عنوان یک بازیگر مؤثر در حل بحران های جهانی و منطقه ای معرفی کند. ایران می تواند از این فضا برای افزایش تأثیر خود در مسائل مهم جهانی مانند امنیت سایبری و تغییرات اقلیمی بهره برد.

ژ) قدرت نرم و نفوذ فرهنگی: ایران می تواند با استفاده از نهادهای فرهنگی و آموزشی بین المللی، قدرت نرم خود را تقویت کند. از طریق روابط دانشگاهی، پژوهشی و فرهنگی، ایران می تواند ارتباطات خود را با سایر کشورها گسترش داده و در عین حال از دستاوردهای علمی و فناوری های جدید بهره برداری کند. این نوع دیپلماسی می تواند موجب تقویت جایگاه ایران در سطح جهانی و تبدیل شدن آن به یک قطب فرهنگی و علمی شود.

نتیجه گیری

در دنیای امروز، نهادهای بین المللی نقش بسیار مهمی در تسهیل روابط میان کشورهای مختلف ایفا می کنند و به ویژه در فرآیند جهانی سازی و همگرایی بین المللی نقش کلیدی دارند. این نهادها به عنوان پل هایی برای برقراری ارتباط و تسهیل همکاری ها عمل می کنند و توانسته اند با ایجاد بسترهای مناسب برای تبادل تجربیات و دیدگاه ها، بسیاری از مشکلات جهانی را حل کنند. به ویژه در زمینه چند جانبه گرایی، نهادهای بین المللی این امکان را به کشورهای نوظهور می دهند که بدون نیاز به قدرت های بزرگ، در روند تصمیم گیری های جهانی مشارکت داشته باشند و توانمندی های خود را در سطح بین المللی تقویت کنند. پژوهش حاضر نشان می دهد که نهادهای بین المللی به عنوان تسهیل کننده ها و شتاب دهنده های فرآیندهای جهانی، نه تنها به کشورهای عضو فرصت های جدیدی برای رشد و پیشرفت می دهند، بلکه به آن ها کمک می کنند تا در مواجهه با چالش های جهانی، راه حل های مؤثری پیدا کنند. این نهادها با تسهیل ارتباطات، ایجاد شبکه های ارتباطی و تدوین استانداردهای جهانی، به کشورها این امکان را می دهند که با هم همکاری کنند و از انحصار قدرت های غالب بکاهند.

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود و ظرفیت های اقتصادی و فرهنگی اش، می تواند به عنوان پلی میان کشورهای مختلف عمل کند و در تسهیل همکاری های منطقه ای و بین المللی نقش مهمی ایفا کند. نهادهای بین المللی می توانند از این ظرفیت ها استفاده کنند تا همکاری های اقتصادی، فرهنگی و امنیتی را تقویت کرده و از این طریق به توسعه پایدار و حفظ امنیت در منطقه و جهان کمک کنند. در نهایت، اهمیت نهادگرایی و همگرایی میان دولت ها در عرصه بین الملل انکارناپذیر است. نهادهای بین المللی نه تنها موجب تسهیل همکاری ها می شوند، بلکه به ایجاد نظم و ثبات جهانی نیز کمک می کنند، به ویژه قدرت های نوظهور خصوصاً ایران، با پیوستن به این نهادها و استفاده از ظرفیت های آن ها، می توانند نقش خود را در ساختار جهانی ایفا کرده و در کنار سایر کشورها، در مسیر تحقق صلح، توسعه و ثبات جهانی گام بردارند. نهادهای بین المللی با راه اندازی پروژه های تبادل نوآوری می توانند به کشورهای نوظهور این امکان را بدهند که علاوه بر بهره برداری از الگوهای اقتصادی موفق، از تجربیات فرهنگی و سیاسی کشورهای دیگر نیز بهره مند شوند. این پروژه ها نه تنها باعث تقویت ظرفیت های فرهنگی کشورهای نوظهور می شوند، بلکه به عنوان ابزارهای مهم در تقویت حکمرانی، ترویج دیالوگ های فرهنگی و گسترش همبستگی جهانی عمل می کنند. کشور ایران می تواند با مشارکت فعال در این پروژه ها، از ظرفیت های بین المللی برای تقویت فرهنگ خود و بهبود الگوهای حکمرانی در عرصه



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

جهانی بهره برداری کند. ایران نیز بایبوستن به این نهادها می تواند به عنوان یک شتاب دهنده فرهنگی و اقتصادی عمل کند و تجربیات محلی خود را به اشتراک بگذارد. این همکاری می تواند به تقویت هویت ملی و همبستگی با سایر کشورها کمک همچنین به ایجاد نهادهای فراملی که در آن نقش مردم و نهادهای غیردولتی نمایان تر است، بینجامد. به علاوه، نهادهای بین المللی می توانند به ایران در مواجهه با بحران های سیاسی و امنیتی الهام بخشیده و کمک کنند تا به شیوه ای نوآورانه و ساختار یافته واکنش نشان دهد. این رویکرد، با ایجاد مکانیزم های شفاف و مسئولیت پذیر، به این کشورها اجازه می دهد تا از قدرت های بزرگ فاصله بگیرند و رهبری مشترکی را در زمینه های سیاست و امنیت پذیرا شوند.

پیشنهادهای عملی برای گسترش نهادگرایی:

۱. تأسیس مرکز همگرایی منطقه ای و دیپلماسی نهادی برای مطالعه، طراحی و اجرای سیاست های نهادی در جهت همگرایی منطقه ای.
۲. پایش فرصت های عضویت کشور ایران در نهادهای بین المللی مهم مانند: سازمان همکاری شانگهای، بریکس، یونسکو، سازمان تجارت جهانی، بانک توسعه اسلامی و....
۳. راه اندازی سامانه هایی برای تبادل نوآوری و تجربیات فرهنگی اقتصادی با همکاری نهادهای بین المللی با هدف به اشتراک گذاری تجربیات موفق حکمرانی و توسعه.
۴. برگزاری گفت و گوهایی بین فرهنگی با کشورهای منطقه با حمایت نهادهایی مانند یونسکو برای تقویت دیپلماسی فرهنگی و کاهش شکاف های منطقه ای.
۵. ایجاد دبیرخانه تعامل ایران با نهادهای بین المللی در ساختار وزارت امور خارجه جهت هماهنگی سیاست های داخلی با فرصت های بین المللی.
۶. ارائه ابتکار «دیپلماسی نهادگرا برای همگرایی منطقه ای» در نشست های منطقه ای و بین المللی با هدف پیشنهاد شکل گیری نهادهای جدید فرهنگی، علمی و اقتصادی در سطح منطقه.
۷. مشارکت فعال ایران در پروژه های تبادل فرهنگی و حکمرانی نهادهای بین المللی برای بهره گیری از ظرفیت های جهانی در تقویت هویت ملی و فرهنگ ایرانی.
۸. بهره برداری از نهادهای بین المللی برای واکنش ساختارمند به بحران های سیاسی و امنیتی با تکیه بر مکانیزم های شفاف، پاسخگو و مشارکت پذیر.
۹. تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای فراملی با حضور پر رنگ مردم و نهادهای غیردولتی به منظور گسترش همبستگی جهانی و توسعه پایدار در سطح منطقه و جهان.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهش های یابی جهان اسلام

منابع

- احمدی نژاد، حمید؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان. (۱۴۰۰). سناریوی چندجانبه گرایی در نظم پسا کرونا و راهبرد سیاست‌گذاری ایران در آن. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱(۱۵)، ۱-۲۵.
- انصاری نسب، مسلم؛ و بیدمال، نجمه. (۱۴۰۱). تحلیل چند جانبه گرایی تجارت ایران برای استفاده بهینه از موقعیت ژئوپلیتیک سازمان همکاری شانگهای. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۵(۲)، ۱۰۳-۱۲۷.
- سجادی‌پور، محمدکاظم؛ ظریف، محمدجواد؛ و مولایی، عباداله. (۱۳۹۵). دوران گذار روابط بین الملل در جهان پساغربی. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ظریف، محمدجواد؛ و سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۸). دیپلماسی چندجانبه: پویایی مفهومی و کارکردی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۷). فرصت‌ها چالش‌های تعامل منطقه گرایی و چندجانبه گرایی، بررسی‌های بازرگانی، دوره جدید- ۶(۳۲)، ۵۹-۷۱. دریافت شده در تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ از: <https://sid.ir/paper/fa/454191/SID>.
- مدنی، سیدعلی؛ و میرزایی، رضا (۱۴۰۱). نقش نهادهای بین‌المللی در مدیریت تعارضات منطقه‌ای؛ مطالعات موردی: شورای همکاری خلیج فارس. فصلنامه سیاست جهانی، ۱۰(۱)، ۴۲۰-۴۴۲.
- منصوری، میلاد؛ ترابی، محمد؛ و حیدرپور، ماشاله (۱۴۰۱). تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم‌انداز این دهه. سیاست جهانی، ۱۱(۱)، ۱۰۷-۱۲۷.
- Baldwin, D.A.(2018).The concept of security.In National and international security (pp.41-62).Routledge.
- Hannerz, U.(2002).Transnational connections:Culture, people, places.Routledge.
- Held, D., & McGrew, A.G. (2007). Globalization/Anti-globalization (2nd ed.). Cambridge:Polity Press.
- Hurd, I.(2024).International organizations:Politics, law, practice.Cambridge University Press.
- Hurd, I.(2024).The science of world order.International Politics, 1-19.
- Jenkins, J., Baker, W., & Dewey, M.(Eds.).(2020).The Routledge handbook of English as a lingua franca.Routledge.
- Kahler,M.(2021).The Future of International Institutions:Challenges and Opportunities in a Changing World.In The Oxford Handbook of International Institutions.Oxford University Press
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).(2019).Governance for sustainable development:Building policy coherence for the SDGs.OECD Publishing.
- Rogers, A., & Sardar, Z.(2021).Globalization and culture.Polity Press.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۴

سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

- Sachs, J.D.(2015).Goal-based development and the SDGs:Implications for development finance.Oxford Review of Economic Policy, 31(3-4), 268-278.
- Sachs, S.E.(2015).Originalism as a theory of legal change.Harvard Journal of Law & Public Policy, 38, 817.
- Scholte, J.A.(2020).Globalization:A critical introduction (4th ed.).Red Globe Press.
- United Nations Development Programme (UNDP).(2021).Human development report 2021:Uncertain times, unsettled lives.
- UNESCO.(2021).Transcultura:A Program of UNESCO and the European Union for Youths in the Caribbean.Retrieved june12,2025 from <https://www.unesco.org/en/articles/unesco-and-eu-will-award-24-scholarships-young-people-caribbean-specialized-courses-cinema-and>
- Vogler, J.(2019).Professionelle Entscheidungen im Sportunterricht:Eine empirische Untersuchung zum fachdidaktischen Wissen von Lehrpersonen.Springer.
- World Bank.(2020).Strengthening governance for sustainable development.World Bank Publications.
- Wynn, M.G., Adejumo, D., & Vale, V.(2024).Digitalization and country image:Key influencing factors (a case example of Nigeria).Journal of Policy and Society, 2(2), 1-16

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۲۰۱

فرهنگ، فاطمه؛ وثوقی، سعید؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۴)، «تحلیل تأثیر نهادهای بین المللی و قدرت‌های نو ظهور بر توسعه اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۵، ش ۲، تابستان ۱۴۰۴، صص ۱-۲۵.